

نمی‌شویم!» و بعد همگی خندیدند.

وقتی گفتند «مانور»، کنجکاو شدم که جزییاتش را بدانم. برای همین رفتم سراغ یکی از مربی‌های فعال و مهربان بچه‌ها که مدام بی‌سیم به دست از این طرف به آن طرف می‌رفت و دانش‌آموزان را مخصوصاً در آموزش‌های امدادی هدایت می‌کرد. آقای جواد بیاری، مربی هلال‌احمر استان گلستان، گفت: «این اردوها از جنبه‌های مختلف برای بچه‌ها جذابیت دارد. مثلاً در آموزش‌های امدادی، نوجوان‌ها همیشه عاشق نجات دادن جان آدم‌ها و این که یک قهرمان بزرگ باشند، هستند. از طرف دیگر در کارگاه‌های خلاقیت به کمک مربیان کانون پرورش فکری، فعالیت‌های هنری



هیجان‌انگیزترین بخش اردو برای من همین بخش حمل مصدوم‌های فرضی بود. این مصدوم‌ها دارند روی برانکار می‌گذارند و ما باید آن‌ها را از موانع مختلف که نشان‌دهنده‌ی بلایای طبیعی مختلف مثل زلزله و آتش‌سوزی است، حمل کنیم

مشغول ادامه‌ی حرف زدن با بچه‌ها و کلنجار رفتن با باد بودم که متوجه شدم دو نفر از دانش‌آموزان در اردوگاه انزلی، در حالی که مشغول شنا و آب‌بازی در یک محدوده‌ی سالم‌سازی نشده بودند، جان خودشان را از دست دادند. همه‌ی بچه‌های حاضر در اردوگاه منجیل از این خبر ناراحت شدند. اما دیگر ناراحتی مشکلی را حل نمی‌کرد. به سراغ یکی دیگر از بچه‌ها رفتم، امیرحسین ابراهیمی که ۱۵ ساله بود و از استان گلستان توی این اردو شرکت کرده بود. امیرحسین گفت: «برای احیای کسی که در آب افتاده آموزش‌هایی دیده‌ایم. اگر آن‌جا بودم، بعد از این که بچه‌ها را از آب بیرون می‌کشیدند، می‌دیدم که دچار ایست قلبی شده یا خفه شدگی. بعد باید عملیات سی‌پی‌آر را انجام می‌دادم و بعد او را برای رساندن به بیمارستان یا محل استقرار نیروهای امدادی آماده می‌کردم.»

بچه‌ها در در یک منطقه‌ی شبیه‌سازی شده به اطفای حریق، پیدا کردن و حمل مصدوم‌ها از موانع می‌پردازند تا بتوانند به سلامت جان آن‌ها را نجات بدهند.

مختلفی می‌کنند که برای‌شان جالب است. در ضمن بچه‌ها برای شرکت در مانور همه‌ی تلاش‌شان را می‌کنند که جزو چهارده نفر برتر باشند. چون همان‌طور که می‌دانید تا چند دقیقه‌ی دیگر مانور نمایشی دانش‌آموزان دادرسی شروع می‌شود.» و بعد هم من و آقای عکاس را همراه خودش برد تا شاهد برترین‌های اردوی دوستی در اردوگاه شاخه زیتون منجیل باشیم.



همانطور که در این عکس‌ها می‌بینید،

